

### متن پیاده سازی شده جلسه شانزدهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 13 آبان 1387

#### بسم الله الرحمن الرحيم

وارد یکی از موثرترین و پرحاشیه ترین (البته حواشی مبهم و تاریک) و ممکن است بگوییم کهن ترین مبحث می خواهیم بشویم و آن بحث اعتبار یا عدم اعتبار خبر واحد است؛ دقت های که در بحث شهرت داشتیم در این بحث به کارمان می آید. ابتدائاً باید بدانید ما کارایی سندی خبر واحد را بحث می کنیم اما کارایی ترجیحی ، ظهور ساز بودن، ظهور شکن بودن و... را در محل بحث قرار نمی دهیم

بحث در خبر واحد است و لذا خبر متواتر از محل بحث خارج است؛ و خبر غیر محفوف به قرائن را بحث می کنیم و خبر محفوف به قرائن خارج است.

و می دانید بحث ما شامل خبر مستفیض هم می شود چرا که محل بحث در خبر غیر متواتر است.

بحث بسیار قدیمی است و 12 یا 13 قرن از عمرش می گذرد؛ این بحث همیشه مطرح بوده است و هیچ گاه به فراموشی سپرده نشده است ؛ عمده احکام ما از طریق خبر واحد است و لذا حجیتش بسیار تاثیر گذار است.

بحث بسیار پر حاشیه است مثلاً یکی از حواشی این است که واقعا مخالفین حجیت خبر واحد چه می گفتند و چه انگیزه های داشتند؟ آیا واقعاً این ها مخالف بوده اند یا نه؟ باید انگیزه های سیاسی و اجتماعی و... هم دیده شود.

بحث اول: اصلاً خبر واحد بحث اصولی است یا نه؟ می دانید با توضیحاتی که من دادم یکی از مهمترین بحث های اصولی این بحث است اما برخی گفته اند این بحث اصولی نیست و تعجب است که کتاب کفایه الاصول با اینکه کتاب مختصری است چرا این را مطرح کرده است؟

علت اینکه برخی گفته اند خبر واحد بحث اصولی نیست این است که برخی گفته اند موضوع علم اصول، ادله چهارگانه پس از ثابت شدن دلیل بودنش است مانند قران، سنت، عقل و اجماع؛ خبر واحد هم که دلیل بودنش ثابت نیست و از مبادی تصویری علم اصول است و لذا خارج از موضوع علم اصول است.

مثلاً مبدا تصویری علم نحو این است که کلمه چیست؟ کلام چیست و...

اگر گفتیم موضوع علم اصول ادله اربعه به وصف ثابت شدن دلایلتش می باشد در این صورت خبر واحد جز موضوع علم نخواهد بود.

برخی گفته اند چرا می گوئید ادله اربعه باید بگوئید ادله چرا که ممکن است کسی عرف یا بنا عقلا را هم جز ادله بداند و لذا برخی معتقد شدند موضوع علم اصول ادله است نه ادله اربعه.

استاد علیدوست: هر اندیشه ای که منجر شود بحث از خبر واحد ، اجماع ، قران و... را جز بحث های اصولی نداند آن اندیشه خراب است و آن اندیشه باید اصلاح شود؛ اگر این ها بحث اصولی نیست پس چه بحث های اصولی تلقی می شود؟!

باید گفت: موضوع علم اصول ، کل ما يصلح که در علم اصول بحث شود و لذا برخی گفته اند موضوع علم اصول ادله بما هی هی است و مرحوم مظفر هم چنین تعبیری کرد و طبق این تعبیر مباحثی مثل عرف ، بنا عقلا ، سد ذرائع، قیاس ، استحسان و... مطرح شود.

نکته: کسی از استوانه های فن نگفته است که بحث خبر واحد بحث اصولی نمی باشد.

ما ابتدا از کتاب کفایه شروع می کنیم بعد تحلیل و نقد می کنیم و پس از آن تتبع می کنیم و در آخر آنچه به ذهن برسد را عرض می کنیم.

حدود هشت مطلب تقریباً 30 صفحه ( در مورد خبر واحد ) در کتاب کفایه مطرح شده است.

مطلب اول: جایگاه بحث

می فرماید: المشهور بین الاصحاب حجه خبر واحد فی الجملة

نکته: خبر واحد هم به نحو اضافه درست است ( خبر الواحد ) هم به نحو صفت و موصوف ( الخبر الواحد )

در صورت اول اینگونه معنا می شود خبر شخص واحد ( غیر متواتر ) و در صورت دوم در واقع اینگونه است ( الخبر الواحد نقله ) وصف به حال متعلق است.

مشهور قائل به حجیت خبر واحد هستند البته فی الجملة ... اگر قید فی الجملة نیاید ما نمی توانیم نسبت به مشهور دهیم چرا که طرفداران خبر واحد به گروه های متفاوتی تقسیم می شوند مثلاً برخی می گویند خبر واحد ثقة حجت است برخی می گویند خبر واحد موثوق الصدوری و...

در مقابل مشهور: سید مرتضی ، ابن زهره ، طبرسی را داریم و اینها قائل به عدم حجیت شده اند.

مطلب دوم: می فرماید برای مخالفین حجیت به ادله ای تمسک شده است از قرآن ، روایات و اجماع

از قرآن آیاتی که نهی از ظن و غیر علم می کند را مطرح کرده اند و گفته اند خبر واحد ظن است و از خبر ظنی در قرآن نهی شده است.

روایات هم به همین مضمون است مثل روایت من افتی بغیر علم فله ... یکی از غیر علم ها همین خبر واحد است.

اجماع هم از ناحیه ابن زهره و سید اجماع شده است.

مرحوم آخوند: هیچ کدام از این سه گروه ادله ادعای مخالفین را ثابت نمی کند ؛ آیات ناهیه اولاً در مورد اصول عقاید است نه

فروع و ثانیاً : خبر واحد پشتوانه علمی دارد نه ظنی و لذا آیات ناظر بر خبر واحد نیست

ثالثاً: ما من عام الا و قد خص ممکن است آیات تخصیص خورده باشد.

روایات: با خبر واحد نمی شود خبر واحد را رد یا اثبات کرد و این دور است مصادره است.

اجماع: واقعاً بی اساس است و اجماعات سید مرتضی و ابن زهره از روی قاعده است نه تتبع؛ و این چه اجماعی است که

معارض از علما دارد شیخ طوسی با آن مخالفت می کند.

جناب آخوند در مرحله بعد در مورد موافقین خبر واحد صحبت می کند و می فرماید مشهور به ادله چهار گانه تمسک کرده اند.

در قرآن آیه نبا، آیه نفر ، آیه حرمت کتمان، آیه سوال از اهل ذکر و آیه اذن مطرح شده است.

**و الحمد لله رب العالمین**